

پیگرد جنایات گروه های تکفیری در محاکم بین المللی؛ راهبرد برون رفت از بحران افراط

پیگرد جنایات گروه های تکفیری در محاکم بین المللی؛ راهبرد برون رفت از بحران افراط

مؤلف: حمید رضا قنبري نژاد اصفهاني([1])

چکیده مقاله:

با عنایت به عمق جنایات «گروه های تکفیری» و به ویژه «داعش» در طی سالیان اخیر، عمده ترین سؤالی که می تواند قویا اذهان و افکار عمومی را به سمت خود جلب کند این است که آیا در چارچوب نظام بین المللی موجود، نهادی وجود دارد که اعضاء این گروه ها را به عنوان جنایت کار جنگی تحت تحقیق و محاکمه قرار دهد؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت پس از تأسیس «دیوان کیفری بین المللی» در سال 2002 این امکان به خوبی در سطح بین المللی فراهم گردیده که تمامی مرتکبین جنایات بین المللی، در هر سمت و جایگاهی که باشند مورد تعقیب، محاکمه و مجازات قرار گیرند.

با نگاهی به اقدامات صورت گرفته از سوی گروه های تکفیری می توان گفت، از 4 موضوعی که دیوان خود

را صالح به رسیدگی بدان ها دانسته، به طور مشخص در 3 موضوع می توان اقدامات این گروه ها را مورد پیگرد قرار داد؛ این موارد عبارتند از: «نسل کشی»، «جنایات علیه بشریت» و «جنایات جنگی».

پرداختن به این موضوع از آن جهت ضرورت دارد که تبیین و تحلیل ادله و ابعاد پیگرد گروه های تکفیری در محاکم بین المللی از یک سو و متعاقب آن فعال سازی اقدامات عملی (مبتنی بر همکاری افراد و نهاد های ذی صلاح) از دگر سو، تأثیر به سزایی در توقف رفتار مجرمانه و بازدارندگی خواهد داشت.

واژگان کلیدی: گروه های تکفیری، دیوان کیفری بین المللی، نسل کشی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی، مجازات

Excommunicating groups prosecution in international courts: Strategy for overcoming the excess crisis

Abstract:

With regard to the crimes Excommunicating groups and especially Dash, in recent years, the most important question that can strongly attracted the attention of public opinion, is whether the existing international framework, institutional there The members of these groups as a war criminal pursuing and the trial?

In response to this question must be said that, after the establishment of the International Criminal Court in 2002 made it possible, as well as at the international level provided that all perpetrators of international crimes, in any direction and position are prosecuted, tried and punished fall.

Looking at the measures taken by excommunicating groups can be said, from the 4 to the competent Court to review it and consider, in particular in the 3 categories can be prosecuted for the actions of these groups, that are cases : genocide, crimes against humanity and war crimes.

The present article will try, first, to explain the reasons and dimension the criminal prosecution of Excommunicating groups and secondly, the quality of cooperation with other countries in this field to examine.

Keywords: Excommunicating groups, the International Criminal Court, genocide, crimes against humanity, war crimes, punishment

فرقه سازي و ايجاد درگيري هاي درون ديني و درون مذهبي سياسي است که سال هاست از سوي نظام سلطه جهت براندازي و ناکارآمد نشان دادن دولت هاي مستقل اسلامي، در دستور کار قرار گرفته است؛ با اين توضيح که اين نظام به جاي تمرکز بر روي گزينه هاي نظامي و استفاده از «قدرت خارجي سخت»، تاکتيک اصولي خود در تقابل با دولت هاي مستقل را در کنار «جنگ نرم»، «متلاشي ساختن فيزيکي از درون» تشخيص داده که مهم ترين ابزار آن اختلاف افکني بين آحاد یک ملت، [21] یک مذهب و يا یک دين است. در واقع بر اساس اين تاکتيک، نظام هاي مستقل از داخل با بحران عدم توانايي اداره ي امور و عدم مشروعيت و به عبارت دقيق تر «حقاني نبودن» مواجه شده و آرام آرام به سمت اضمحلال پيش خواهند رفت. البته بديهي است موفقيت چنين سياسي در گرو حمايت هاي مستقيم و غير مستقيم نظام سلطه و بازیگران منطقه اي آن است؛ که اين موضوع را به خوبي مي توان در تحولات ميداني عراق و سوريه مشاهده نمود.

اما در واکاوي دليل اصلي سنگ اندازي در مسير حرکت دولت هايي همچون سوريه و عراق به اين نتيجه خواهيم رسيد که پس از موج بيداري اسلامي در منطقه ي شمال آفريقا و خاورميانه، از طرف برخي کشورهاي غربي که نگران از دست دادن موقعيت خود در اين منطقه بودند تلاش فزاينده اي جهت مصادره و بعضا انحراف اين حرکت ها از مسير اصلي صورت گرفت؛ که مصداق بارز مصادره ي یک انقلاب را مي توان در تحولات سال هاي اخير مصر مشاهده نمود.

از سوي ديگر يکي از اقداماتي که مي توانست در اين اوضاع و احوال شرايط را به نفع نظام سلطه رقم زند سوار شدن بر موج حاصل از فضاي بيداري اسلامي و توسعه ي آن به سمت کشورهايي بود که سياست هايشان همسو با اين نظام نيست؛ که اولين قرباني اين فضا سازي کشور سوريه بود.

پس از ناکامي هايي اين نظام در سوريه و شکست سناريوهاي متعددي که در قالب چندين اجلاس موسوم به «دوستان سوريه» و... بر آن تحميل شد، اين بار نوبت به کشور عراق رسيده است؛ کشوري که اکثريت جمعيت آن را شيعیان تشکيل داده و به جهت دارا بودن بيشتريين زيارت گاه هاي ائمه(ع) کانون توجه شيعیان جهان است.

نظام سلطه به خوبي دريافته که براي تضعيف روحيه ي «مقاومت اصيل اسلامي» لازم است در وهله ي اول دو بال پرواز شيعه را از او باز ستاند؛ يعني شهادت و اعتقاد به مهدويت، که اولي باعث ايستادگي آرماني شده و دومي جريان اميدبخش براي پيمودن راه است.

اين صرفا یک نظر شخصي نيست؛ بلکه باوريست که غرب به آن رسيده و در بيان بسياري از نظريه پردازان غربي واگويي شده است. «فرانسیس فوکویاما» [31] (يکي از بزرگ ترين نظريه پردازان حال حاضر

آمریکا) در کنفرانسی در سال 1986.م در اورشلیم تحت عنوان «بازشناسی هویت شیعه» که توسط صهیونیست ها برگزار شد می گوید: «شیعه پرنده ایست که افق پروازش خیلی بالاتر از تیرهای ماست. پرنده ای که دوبال دارد: یک بال سبز و یک بال سرخ. بال سبز این پرنده همان مهدویت و عدالتخواهی اوست. چون شیعه در انتظار عدالت به سر می برد، امیدوار است و انسان امیدوار هم شکست ناپذیر است. شما نمی توانید کسی را تسخیر کنید که مدعی است فردی خواهد آمد که در اوج ظلم و جور، دنیا را پر از عدل داد خواهد کرد. بال سرخ شیعه، شهادت طلبی است که ریشه در کربلا دارد و شیعه را فنا ناپذیر کرده است».[41]

با این وصف در حال حاضر عمده تلاش جهان غرب تضعیف جریان اصیل اسلامی و تقویت فرقه های ساختگی و جریان هایی است که ضمن نشان دادن چهره ای کریم و خشن از اسلام، مطیع سیاست های ملوکانه ی نظام سلطه بوده و علاوه بر آن با اقدامات جنایت باری نظیر آنچه در سوریه و عراق شاهد بوده و هستیم عرصه را بر کشورهای که زیر بار زیاده خواهی های این نظام نمی روند تا حد امکان تنگ تر نمایند.

«گروه های تکفیری»[51] و در رأس آن «داعش» دقیقاً با چنین رویکردی پا به عرصه ی حیات گذارده اند؛ کما این که پیش از آن نیز «طالبان» این وظیفه را بر عهده داشتند (داستان نسل کشی مسلمانان در فلسطین، بوسنی، کزو، میانمار، جنایات اخیر گروه «بوکوحرام» در نیجریه و... نیز خود شرح حالی مفصل دارد که این مقال را مجال پرداختن بدان نیست).

در این راستا آن چه می تواند به هدف راهبردی کشورها و ملت های آزاده مبدل گردد مقابله ی اصولی با رواج چنین تفکراتی است و طبعاً برای نیل بدین هدف، مهم ترین اقدام در هر جامعه ای (اعم از داخلی و بین المللی) علاوه بر تلاش در جهت محدود نمودن و نهایتاً از بین بردن زمینه های اقدامات مجرمانه و جنایت کارانه، مجازات قاطع مرتکبین جرم است؛ که این خود تأثیر به سزایی در توقف رفتار مجرمانه و بازدارندگی خواهد داشت و از این منظر، ضرورت پرداختن به موضوع حاضر به وضوح احساس می شود.

مخلص کلام این که آثار زیان بار عدم همکاری در جهت مقابله با گروه های تکفیری و از آن بدتر تقویت و تجهیز این گروه ها توسط برخی دولت های منطقه می تواند روزی گریبان گیر خود آن ها نیز شده و لذا لازم است این دولت ها طی یک همگرایی منطقه ای تمام تلاش خود را معطوف مقابله با جنایات سازمان یافته ی این گروه ها و همکاری جهت پیگرد و مجازات آنان نمایند.

بر این اساس در کنار عدم حمایت های مادی و معنوی از جریانات تکفیری، همکاری منطقه ای در جهت استرداد و محاکمه ی این جنایت کاران در محاکم صالحه (محاکم داخلی و یا بین المللی) می تواند نمود بارز و بهترین جلوه ی یک همگرایی منطقه ای در جهت پایان بخشی به اقدامات گروه های تکفیری باشد

(که کیفیت آن در بخش های بعدی بیان خواهد شد).

با عنایت به آن چه بیان شد، سوال اصلی این مقاله آن است که چگونه می توان از رهگذر محاکمه ی مرتکبین جنایات گروه های تکفیری، به برون رفت از بحران سازی های موجود و برقراری صلح و امنیت در سطوح منطقه ای و بین المللی همت گماشت؟

لازم به ذکر است رویکرد این مقاله در صورت تحقق فرضیه ای است که بر مبنای آن دیوان کیفری بین المللی صلاحیت خود را در زمینه ی پیگرد گروه های تکفیری در دیوان بپذیرد؛ که با توجه به عمق جنایات صورت گرفته و ادله ی موجود در این زمینه، در صورت ارجاع پرونده به دیوان، پیگرد گروه های تکفیری در دیوان کاملاً اصولی و منطبق با موازین حقوقی به نظر می رسد.

گفتنی است «شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد»، «کمیته بین المللی صلیب سرخ» و برخی سازمان های معروف غیر دولتی بین المللی مانند «دیده بان حقوق بشر» در گزارش های متعددی ارتکاب جنایت توسط داعش را تأیید کرده اند؛ که این امر می تواند به عنوان دلیل محکمی بر ورود دیوان به قضیه، مورد توجه قرار گیرد.^[6]

با چنین رویکردی مقاله ی حاضر تلاش خواهد نمود اولاً به تبیین ادله و ابعاد پیگرد کیفری گروه های تکفیری پرداخته و ثانیاً کیفیت همکاری کشورهای جهان در این زمینه را مورد بررسی قرار دهد.

1- بررسی صلاحیت دیوان کیفری بین المللی جهت پیگرد جنایات گروه های تکفیری

نظر به عمق جنایات گروه های تکفیری و به ویژه داعش در طی سالیان اخیر، عمده ترین سؤالی که می تواند قویاً اذهان و افکار عمومی را به سمت خود جلب کند این است که آیا در چارچوب نظام بین المللی موجود، نهادی وجود دارد که اعضاء این گروه ها را به عنوان جنایت کار جنگی تحت تعقیب و محاکمه قرار دهد؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت تا پیش از تأسیس «دیوان کیفری بین المللی»^[7] تعقیب و مجازات مرتکبین جنایات بین المللی (و گروه هایی همچون گروه های تکفیری و از جمله داعش) بسیار مشکل و در اکثر موارد دور از ذهن بود؛ چرا که تا این زمان در چارچوب نظام ملل متحد، فقط دو دادگاه بین المللی برای رسیدگی به جرائم و جنایات ارتکاب یافته در یوگسلاوی سابق و رواندا تشکیل شده بود؛^[8] لکن پس از تأسیس دیوان کیفری بین المللی در سال 2002 این امکان به خوبی در سطح بین المللی فراهم

گردید که تمامی مرتکبین جنایات بین المللی، در هر سمت و جایگاهی که باشند مورد تعقیب، محاکمه و مجازات قرار گیرند.

البته دیوان بر اساس آن چه در اساسنامه ی آن بیان گردیده، در حال حاضر صلاحیت ورود به هر جرم بین المللی را نداشته و صرفاً صلاحیت رسیدگی به جرائم خاصی را داراست که عبارتند از: نسل کشی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و تجاوز.

با نگاهی به اقدامات صورت گرفته از سوی گروه های تکفیری می توان گفت، از 4 موضوعی که دیوان خود را صالح به رسیدگی بدان ها دانسته، به طور مشخص در 3 موضوع می توان اقدامات این گروه ها را مورد پیگرد قرار داد؛ که شرح مختصر آن در ذیل بیان خواهد شد:

1-1- نسل کشی

در ماده ی 6 اساسنامه ی دیوان کیفری بین المللی که می توان آن را بازنویسی ماده II «کنوانسیون منع و مجازات جرم نسل کشی»^[9] دانست، از جمله مصادیق نسل کشی «کشتن اعضای یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی» بیان شده است.

با توجه به این که گروه های تکفیری و در حال حاضر داعش، صراحتاً از جمله اهداف اصلی و راهبردی خود از جنایات و کشتار بیرحمانه ای که طی ماه های اخیر در حال وقوع است را مقابله و از میان برداشتن شیعیان و تفکرات شیعی بیان داشته اند می توان این هدف را در چارچوب «کشتن اعضای یک گروه مذهبی» قرار داده و به عنوان یکی از مصادیق نسل کشی از طرف دیوان مورد پیگرد قرار داد.

این گروه حتی در این راه تا بدان جا پیش رفته که اعلام نموده است یکی از اهداف هدف عالیش تخریب مضجع شریف امام حسین(ع) به عنوان سمبل ایستادگی شیعه است.

لازم به ذکر است برای تحقق جرم نسل کشی لزوماً نیازی به گستردگی عملیات و کشتن جمعیتی معینی به نیست؛ بلکه حتی کشتن یک نفر به قصد و انگیزه ی از بین بردن کلی یا جزئی یک گروه مذهبی هم می تواند عناصر این جرم را کامل نموده و جرم را محقق سازد.^[10]

1-2- جنایات علیه بشریت

ماده 7 اساسنامه ي ديوان کيفري بين المللي مجموعا 11 مورد از اقدامات ضدبشري را در زمره ي جنايات عليه بشریت قرار داده که با توجه به رويه ي داعش مي توان به گونه اي کاملا مشخص اين گروه را مشمول اين فقره دانست.

از جمله ي اين موارد «قتل» است؛ با اين توضيح که قتل زماني مي تواند به عنوان يکي از جرائم عليه بشریت محسوب شود که در قالب حمله اي گسترده و به گونه اي سيستماتيک و برنامه ريزي شده، در راستاي پيگيري سياست يک دولت يا گروه سازماندهي شده ارتکاب يابد.

چنان که ملاحظه مي گردد بر خلاف نسل کشي که مي توانست حتي با کشتن يک نفر هم – با قصد و انگيزه ي از بين بردن کلي يا جزيي يک گروه – محقق شود، اين جا اعمال مجرمانه اي که شخصي به صورت انفرادي انجام مي دهد و يا عمليات سيستماتيکي که مثلا يک قرباني را در بر گيرد، جنايت عليه بشریت محسوب نمي شود.

به هر روي اقدامات متعدد داعش در چارچوب اين جرم نيز به گونه اي واضح و مبرهن مطرح بوده و تصاوير و گزارش هاي متعددي در رسانه هاي جمعي در مورد قتل هاي دسته جمعي سيستماتيک اين گروه وجود داشته که مي تواند مسؤوليت اين گروه را از اين زاويه مطرح سازد.

بند 2(c) ماده 7 يکي ديگر از مصاديق جنايات عليه بشریت را «به بردگي گرفتن» دانسته است.

البته اگر بخواهيم معنای کلاسيک بردگي را در نظر آوريم به گونه اي صريح و واضح نمي توان اقدامات داعش و ديگر گروه هاي تکفيري را جرم يا جنايت به حساب آورد؛ چون بردگي عبارتست از خريد، فروش، اجاره دادن و يا معاوضه ي زنان و کودکان و ديگر اشخاص، که به انگيزه هاي مختلفي صورت مي گيرد. لکن اين گروه و ديگر گروه هاي تکفيري اخيرا با استفاده ي ابزاري از آموزه هاي ديني و تحريف مسلمات قرآني سعي در ترويج نوعي «بردگي جنسي» در پوشش دين داشته و از نهاد خودساخته اي تحت عنوان «جهاد نکاح» جهت ارضاي نيازهاي نيروهاي خود بهره ي فراواني برده اند.

واقعيت اين است که جهاد نکاح نوعي بردگي جنسي نوين به شمار آمده و چنان چه بخواهيم اهداف متعالي برشمرده شده در راستاي لغو بردگي را در نظر آوريم مسلما اين گونه اقدامات را مي توان نمونه ي بارز بردگي و از زشت ترين انواع آن به شمار آورد.

البته شعبه ي بدوي ديوان کيفري بين المللي براي يوگسلاوي سابق نيز در رابطه با احصاء مؤلفه هاي به بردگي گرفتن، از جمله مصاديق آن را «فحشاء» ذکر نموده است؛^[111] که شايد بتوان گفت ترويج فحشاء

در قالب تحریف آموزه های دینی زشت ترین حالت ممکن در این رابطه باشد.

در بند 2(e) ماده 7 اساسنامه ی دیوان نیز از «شکنجه» به عنوان یکی دیگر از مصادیق جنایات علیه بشریت یاد شده است. دیوان در این بند شکنجه را این گونه تعریف می نماید: «ایراد عمدی درد یا رنج شدید، اعم از جسمی یا روحی، علیه شخصی که در بازداشت یا تحت کنترل متهم قرار دارد».

از دیگر مصادیق جنایات علیه بشریت که در این ماده مورد توجه قرار گرفته «تخریب محیط زیست» است؛ که با توجه

با این وصف همان گونه که در مستندات متعدد مشاهده گردیده و اسناد، تصاویر و فیلم های آن بر روی شبکه های مختلف پخش شده است مواردی همچون بریدن سر افراد در حالتی که زنده اند، تنبیهات شدید بدنی (حتی در مورد کودکان خردسال) و... از مصادیق بارز شکنجه محسوب گردیده و لذا از این بعد نیز امکان پیگرد داعش در دیوان وجود خواهد داشت.

3-1- جنایات جنگی

از منظر اساسنامه ی دیوان (که در ماده ی 8 منعکس شده است) جنایات جنگی به طور خلاصه عبارتست از عدم توجه و رعایت مقررات مندرج در کنوانسیون های مربوط به حقوق بشر دوستانه و به طور خاص کنوانسیون های چهارگانه ی ژنو (1949) و پروتکل های الحاقی (1977) در رابطه با کیفیت برخورد با غیر نظامیان و نیز کنوانسیون های لاهه (1907) با موضوع عدم به کارگیری سلاح های ممنوعه و مواردی از این دست.

این فقره نیز در جنایات صورت گرفته از جانب داعش قویا نادیده گرفته شده و مواردی همچون کشتار دسته جمعی اسرا و کسانی که سلاح خود را زمین گذاشته اند، کشتار زنان و کودکان، مثله کردن اعمال شنیع علیه شرافت شخصی، رفتار تحقیرکننده و مواردی از این دست که همگی از مصادیق جنایات جنگی به شمار می روند در کارنامه ی این گروه به چشم می خورد.

از دیگر مواردی که در اساسنامه ی دیوان تحت عنوان جنایات جنگی ملحوظ واقع گردیده «حمله به آثار تاریخی» است که ارتکاب این فقره نیز به کرات در اقدامات گروه های تکفیری مشهود است.

2- نحوه ي ارجاع پرونده به ديوان کيفري بين المللي

در اين رابطه لازم است نهادهاي ذيصلاح؛ يعني هر يك از دول عضو ديوان،^[12] يا دادستان ديوان^[13] و يا شوراي امنيت سازمان ملل متحد^[14] در اقدام حقوقي عاجل و به دور از بازي هاي سياسي، با به جريان انداختن اين پرونده با رويکردي حقوقي، نقش خود در زمينه ي برقراري صلح و امنيت بين المللي را به گونه اي شايسته ايفا نمايند.

البته لازم به ذکر است کثوري مي تواند با ارجاع وضعيت به دادستان ديوان از وي تقاضاي رسيدگي کند که اساسنامه ي ديوان را پذيرفته باشد و از آن جايي که کشور عراق هنوز به عضويت اساسنامه ي ديوان در نيامده ممکن است اين موضوع به ذهن متبادر شود که امکان مراجعه به ديوان براي عراق وجود نخواهد داشت، لکن اين موضوع لطمه اي به آن چه بيان شد نخواهد زد؛ چرا که ترتيبات همکاري اين کشور با ديوان در ماده ي 12 اساسنامه (و ديگر مواد آن) بيان گرديده و طبق اين ماده کشور عراق مي تواند با سپردن اعلاميه اي نزد رييس دبیرخانه، اعمال صلاحيت ديوان را نسبت به جنايت مورد نظر بپذيرد.

همچنين دادستان ديوان کيفري بين المللي و نيز شوراي امنيت سازمان ملل متحد (همزمان يا به صورت جداگانه) مي توانند بر اساس وظيف خود در اين زمينه اقدام به پيگرد پرونده ي مطروحه نمايند.

3- کيفيت مجازات گروه هاي تکفيري در چارچوب ديوان کيفري بين المللي

سؤال عمده اي که در اين قسمت مي تواند مورد توجه قرار گيرد آن است که در صورت محاکمه ي گروه هاي تکفيري، کيفيت مجازات هايي که براي افراد اين گروه (اعم از سرکردگان، نيروهاي در اختيار و تجهيز کنندگان) ممکن است در نظر گرفته شود چگونه خواهد بود؟

در اين رابطه بايد گفت ديوان کيفري بين المللي نيز همچون بسياري از نظام هاي حقوقي داخلي، بين مباشرت و معاونت و برخي موارد ديگر تفکيک قائل شده و طبعاً براي مباشرين مجازات هاي سنگين تري را در نظر گرفته است.

ماده ي 25 اساسنامه ي ديوان بيان مي دارد اولاً اين ديوان فقط به جرائم «اشخاص حقيقي» رسيدگي مي نمايد و بنا بر اين اشخاص حقوقي (مثل دولت، گروه، سازمان و مواردی از اين دست) در حوزه ي صلاحيتي ديوان قرار نمي گيرند و ثانياً به موجب ماده ي 26 اساسنامه ي ديوان، صرفاً آن دسته از اشخاص حقيقي مورد پيگرد ديوان فرا مي گيرند که داراي 18 سال سن به بالا باشند که اين موضوع در مورد داعش نيز مي بايست مورد توجه قرار گيرد.

بنابراین امکان پیگرد شخصیت حقوقی به نام داعش در دیوان وجود نداشته و صرفاً می‌توان تک‌تک افراد بالای 18 سال این گروه تکفیری را با استناد به رفتارهای مجرمانه‌ی تحت صلاحیت دیوان، تحت تعقیب و محاکمه قرار داد. با این وصف، طبق مفاد ماده‌ی 25 اساسنامه، دیوان می‌تواند افراد فوق‌الذکر را در صورت حصول یکی از صور چهارگانه‌ی ذیل مورد پیگرد قرار دهد:

1. در ارتکاب یکی از جرائم داخل در صلاحیت دیوان مباشرت داشته باشند؛
2. شروع به ارتکاب این جرائم نموده باشند؛
3. در آن‌ها شرکت یا معاونت داشته باشند؛
4. در ارتکاب جرم توسط گروهی از اشخاص که دارای هدفی مشترکند نقش داشته باشند.

4- مجازات هر یک از مباشرین، معاونین یا شرکت‌کنندگان در جرم

باید گفت با توجه به این که هنوز رویه‌ی چندان‌ی در این باره وجود ندارد نمی‌توان نظر قاطعی در این باره داد و فقط می‌توان بر این امر تأکید نمود که تشخیص و تعیین میزان مجازات منوط به نظر اکثریت قضات دیوان است؛ لکن بر اساس رویه‌ی محاکم قبلی (مثل یوگسلاوی سابق و رواندا) در صورت اثبات جرائمی مثل نسل‌کشی، دیوان حداکثر مجازات (حبس ابد) و یا حبس‌های طویل‌المدت را برای مرتکبین در نظر خواهد گرفت و برای سایر موارد حبس‌های کوتاه مدت تر، ضمن آن که معاونت در جرم مجازات خفیف‌تری به همراه خواهد داشت.

البته گروه‌های تکفیری در موارد متعددی مرتکب تعدد جرم هم گردیده‌اند؛ مثلاً برخی اقدامات صورت گرفته می‌تواند هم مصداق جنایات علیه بشریت قرار گیرد و هم مصداق جنایات جنگی. این در حالیست که در حقوق داخلی برخی کشورها (و از جمله ایران) تعدد جرم باعث اجرای مجازات اشد می‌گردد. لکن دیوان کیفری بین‌المللی موضع روشنی در برابر «تعدد جرم» – به مفهومی که در کشور ایران و دیگر کشورهای نظام حقوق نوشته وجود دارد – اتخاذ ننموده و به نظر می‌رسد آن را نپذیرفته است. البته در ماده 78 اساسنامه این گونه آمده است که: «در مواردی که محرز شده محکوم علیه بیش از یک جرم مرتکب شده است، دیوان موظف است برای هر یک از جرائم مذکور مجازات جداگانه و برای همگی آن‌ها یک مجازات کلی که مبین جمع مدت حبس‌ها باشد تعیین نماید...». لذا باید هر جرم به صورت مجزا مورد توجه قرار گرفته و در مورد آن مجازات مقرر در نظر گرفته شود.

لازم به ذکر است به جهت ملاحظات حقوق بشری، در حال حاضر مجازات اعدام در زمره ی مجازات های احصاء شده در دیوان قرار نداشته و سنگین ترین مجازات همان حبس ابد است.^[15]

5- نقش کشورهای جهان در مقابله با جریان های تکفیری

اساسنامه ی دیوان کیفری بین المللی علیرغم این که در دیباچه ی خود مسؤولیت اصلی مجازات و کیفردهی به جنایت کارانی همچون اعضاء گروه های تکفیری را متوجه دولت ها نموده است، در ادامه و در سطحی گسترده تر خواستار تلاش و همکاری بین المللی در این زمینه شده است.

البته کشورهای همسایه ی عراق و سوریه در ارتباط با دیوان به 2 گونه می توانند متصور شوند: کشورهای عضو اساسنامه ی دیوان و کشورهای غیر عضو اساسنامه.

دیوان علاوه بر این که در مواد 86 تا 93 اساسنامه (موضوع فصل نهم؛ تحت عنوان: همکاری های بین المللی و همیاری های قضایی) تکالیف متعددی را برای کشورهای که عضو اساسنامه اند، در رابطه با فراهم نمودن مقدمات محاکمه ی گروه های تکفیری برشمرده است، برای آن دسته از کشورهایی که به عضویت اساسنامه در نیامده اند نیز تکالیف متعددی را برشمرده است.

به موجب بند 5 ماده ی 87 اساسنامه دیوان، دادگاه می تواند از هر یک از کشورهایی که عضو اساسنامه ی دیوان نیستند تقاضای کمک و همکاری نماید.

عدم همکاری این کشورها با دادگاه تا بدان حد از نظر دیوان مسؤولیت زاست که در بند 6 ماده ی 87 بیان می دارد عدم همکاری با دیوان می تواند به اطلاع مجمع کشورهای عضو و عند الزوم شورای امنیت نیز برسد (البته در صورتی که موضوع توسط شورای امنیت ارجاع شده باشد).

از جمله تکالیفی که در این رابطه می تواند بر عهده کشورهای همسایه ی عراق و سوریه قرار گیرد تسلیم یا استرداد اعضای گروه های تکفیری است و در این رابطه فرقی میان دولت های عضو و غیر عضو اساسنامه وجود ندارد؛ چرا که در بند 1 ماده ی 89 بیان می گردد: «دادگاه می تواند درخواستی مبنی بر دستگیری و تسلیم شخص... به هر کشوری که این شخص ممکن است در قلمرو آن پیدا شود ارسال نماید...».

از مجموع آن چه بيان شد مي توان اين گونه نتيجه گيري نمود که با عنايت به گستره و کيفيت اقدامات صورت گرفته از سوي گروه هاي تکفيري، ادله ي ارجاع پرونده ي جنايات اين گروه ها به ديوان کيفري بين المللي کامل بوده و در جهت نيل به اهدافي که در مقدمه بيان شد، لازم است هرچه سريع تر مقدمات محاکمه ي مرتکبين جنايات ياد شده از سوي ديوان فراهم گردد.

مسئله تحقق اين مهم نيازمند عزم جدي جامعه ي بين المللي (دولت ها و سازمان هاي بين المللي ذي صلاح) و مقامات ذي صلاح (دادستان ديوان) و هماهنگي کامل ايشان در اين رابطه است.

اين در حاليست که مع الاسف برخي از دولت ها نه تنها همکاري يا اقدام مؤثري جهت مقابله با جريان هاي تکفيري صورت نداده اند، بلکه حتي اقدام به تجهيز اين جريان ها (از طريق اعطاي کمک ها و تسهيلات مالي، آموزش و...) نیز نموده اند و در چنين فضايي لزوم همکاري ديگر کشورهاي منطقه بيش از پيش احساس مي شود.

البته برخي از حاميان منطقه اي و فرامنطقه اي اين گروه ها اخيرا در مواضع خود سعي دارند به گونه اي خود را از اين جريانات جدا سازند؛ لکن بايد گفت واقعيت هاي موجود هيچ گاه از حافظه ي تاريخ محو نخواهد شد.

به هر حال آنچه مسلم است اين که تا حمايت هاي مستقيم و غير مستقيم برخي دولت هاي مرتجع منطقه وجود نداشته باشد امکان بقاء و تداوم حيات جريان هاي تکفيري وجود نخواهد داشت و جالب اين جاست که اين دولت ها منکر هرگونه همکاري با جريانات ياد شده هستند. در پاسخ به اين ادعا فقط مي توان به ذکر اين بيت پر مغز و شيو از جناب سعدي شيرازي بسنده نمود که:

«اميدوار بود آدمی به خير کسان
مرا به خير تو اميد نيست شر
مرسان»

[21]. ر.ک: بیانات حضرت آیت الله خامنه ای در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی در سال 1391.

<http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=21966>))

3. Yoshihiro Francis Fukuyama

4. <http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=146974>

[51]. گروه های تکفیری به گروه هایی اطلاق می شود که با تفاسیر شخصی و برداشت های ناروا از آموزه های دینی و نیز طرح شعارهای جدایی طلبانه و تفرقه افکنانه سعی در تحریف دین، مقابله با تفکر ناب اسلامی و نیز ترسیم جلوه ای خشن از اسلام در نزد جهانیان دارند.

5. <http://www.irna.ir/fa/NewsPrint.aspx?ID=81215644>

6. International Criminal Court (ICC).

[81]. لازم به ذکر است پس از پایان جنگ جهانی اول (1945.م) نیز دو محکمه ی «توکیو» و «نورنبرگ» با هدف محاکمه و مجازات مقامات دول مغلوب تشکیل گردید؛ که طی آن چندین نخست وزیر، وزیر امور خارجه، وزیر جنگ و مقامات عالیرتبه ی نظامی، محاکمه و مجازات شدند که در این میان – فارغ از حبس های طویل المدت – فقط 19 مورد حکم اعدام به چشم می خورد.

[9]. مصوب نهم دسامبر 1948 مجمع عمومی سازمان ملل متحد.

[10]. میر محمد صادقی، حسین، دادگاه کیفری بین المللی، تهران: دادگستر، 1392، ص 93.

10. ICTY, Kunarac and Others, Paras 242-243.

(ر.ک: میر محمد صادقی، حسین، همان، ص 114).

[12]. به موجب ماده 14 اساسنامه دیوان.

[13]. به موجب ماده 15 اساسنامه دیوان.

[14]. به موجب فصل هفتم منشور ملل متحد و ماده 13 اساسنامه دیوان.

[15]. ر.ک: ماده 77 اساسنامه دیوان کیفری بین المللی.